

بسم الله الرحمن الرحيم

گوشه هائی از شمائل خدای وهابیت!

- ۱ مقدمه:
- ۱ اهمیت «توحید» در شریعت اسلام:
- ۳ آشنائی اجمالی با فرقه «وهابیت»:
- ۴ تجسیم خداوند، شاخصه اصلی توحید وهابیت!
- ۴ برخی صفات بارز خدای وهابیت:
- ۴ خدای وهابیت «چشم» دارد!!
- ۵ خدای وهابیت «پا» دارد!!
- ۵ خدای وهابیت «دست» دارد!!
- ۵ خدای وهابیت، موی سرش فرفری است!!
- ۶ خدای وهابیت سوار بر «الاع» می شود!
- ۷ خدای وهابیت سوار بر شتر در منی دیده شده است!!
- ۷ خدای وهابیت مریض می شود!!
- ۸ وقتی خدای وهابیت به زیارت قبر «احمد بن حنبل» می رود!!
- ۹ عرش الهی از سنگینی خدای وهابیت ناله می کند!!
- ۱۰ خداوند بعد از خلقت جهان به پشت خوابید و پای خود را روی پای دیگر انداخت!!
- ۱۱ خدای وهابیت را چهار فرشته حمل می کنند!!

مقدمه:

فرقه ضاله وهابیت، فرقه ای است که بعد از ظهورش در شبه جزیره عربستان، خود را طلایه دار توحید و یگانه پرستی معرفی نموده، و بسیاری از مسلمانها را در سراسر جهان اسلام، با اتهام به شرک، به خاک و خون کشید. در این مقاله بر آن هستیم، تا گوشه ای بسیار مختصر، از خدائی که وهابیت به آن دعوت می کنند را ترسیم کنیم.

اهمیت «توحید» در شریعت اسلام:

بی شک، دین مبین اسلام، به عنوان کامل ترین و جامع ترین شریعت، در میان سایر ادیان بوده، و دین برگزیده خداوند محسوب می شود. لذا خداوند می فرماید:

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)

دین در نزد خدا، اسلام است.

سوره آل عمران (۳) : آیه ۱۹

نکته اساسی این است که حقیقت دین «اسلام»، به عنوان دین منتخب الهی، «توحید» است. در قرآن کریم مضامین گوناگونی مطرح شده است که شعار اصلی و سرلوحه دعوت همه پیامبران الهی را، توحید و پرستش خداوند می‌داند:

(وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)

ما در هر امتی رسولی فرستادیم [تا بگوید:] خدای یکتا را پرستید، و از طاغوت اجتناب کنید.

سوره نحل (۱۶): آیه ۳۶

در همین راستا، دعوت اصلی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) نیز، شهادت به توحید و دعوت به یگانه پرستی بوده است:

«وَهُوَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»

و پیامبر می گفت: ای مردم! لاله الا الله بگوئید تا رستگار شوید.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۸، ص ۲۰۲

در حدیث معروف «سلسله الذهب» هم به خوبی اهمیت و جایگاه شعار توحید بیان شده است: امام رضا (سلام الله علیه) وقتی در سفر خود از مدینه به سوی مرو، به نیشابور رسیدند، در جمع علما و محدثان - به نقل از اجداد بزرگوارشان - فرمودند که خداوند فرمود:

«كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»

کلمه لا إله إلا الله دژ محکم من است؛ هر کس به آن گواهی دهد داخل دژ محکم من شده است و کسی که به دژ من داخل شود، از عذابم در امان است.

کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط- قدیمیة)، ج ۲، باب مولد الرضا، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۹، ص ۱۲۷، ح ۲

از آنجائی که دین اسلام، ترسیم کننده جهت زندگی و تکامل حیات انسانی است، لازم است که ابعاد گوناگون زندگی انسان (رفتار، افکار، عقاید، اخلاق و معاشرت های فردی و اجتماعی اش) جهت خدایی داشته باشد و حرکت او در همه شئون حیات فردی و اجتماعی به سوی خدا باشد.

بنابراین اگر این حقیقت را پذیرفتیم که اسلام به حرکت انسان به سوی کمال مطلق و قرب الهی جهت می‌دهد و هدایتگر وی در همه شئون زندگی است، این واقعیت آشکار می‌شود که

محتوای دین «اسلام»، چیزی غیر از توجه دادن به خدای واحد نیست. همه احکام و دستورات فرعی اسلام - حتی احکام واجب یا مستحبی که به رفتار و کارهای حیوانی انسان تعلق دارند - برای این است که به همه رفتارهای انسان و از جمله رفتار حیوانی او رنگ خدایی بزند؛ چون اگر همین رفتار حیوانی جهت خدایی داشته باشد و در جهت اطاعت از خداوند و کسب رضای او انجام پذیرد، ارزش پیدا خواهد کرد.

آشنائی اجمالی با فرقه «وهابیت»:

مسلک «وهابیت»، مسلکی است که در سال ۱۱۴۳ هجری قمری در شبه جزیره عربستان بوجود آمده است و منسوب به شیخ محمد فرزند «عبدالوهاب نجدی» در قرن دوازدهم است که این نسبت «وهابیت»، از نام پدر او «عبدالوهاب» گرفته شده است!

حقیقت آن است که «محمد بن عبدالوهاب» مبدع و مبتکر این فرقه انحرافی نیست. بلکه احیاگر عقائد باطل «احمد بن عبدالحلیم»، معروف به «ابن تیمیه» به شمار می‌رود. «ابن تیمیه» در قرن هشتم می‌زیست و او نیز خود را پیرو «احمد بن حنبل»، امام حنبلی‌های اهل سنت و متوفای ۲۴۱ هجری می‌دانست!

نکته اساسی در این است که در همان زمان ظهور افکار ابن تیمیه، علمای اهل سنت با عقائد و دیدگاه‌های ابن تیمیه مخالفت کرده و حتی او را کافر دانستند! مثلاً «ذهبی» متوفای ۷۴۸ هجری دانشمند بلند آوازه عصر «ابن تیمیه» در نامه‌ای خطاب به وی می‌نویسد:

«يا خيبة من اتبعك فإنه معرض للزندقة والانحلال... فهل معظم أتباعك إلا قعيد مربوط خفيف العقل أو عامي كذاب بليد الذهن أو غريب واجم قوي المكر أو ناشف صالح عديم الفهم؟»

ای بی چاره، آنان که از تو متابعت می‌کنند در پرتگاه زندقه و کفر و نابودی قرار دارند... نه این است که عمده پیروان تو عقب مانده، گوشه گیر، سبک عقل، عوام، دروغگو، کودن، بیگانه، فرومایه، مکار، خشک، ظاهر‌الصلاح، و فاقد فهم هستند.

السَّيْفُ الصَّغِيرُ فِي الرَّدِّ عَلَى ابْنِ زَيْلٍ، تقی الدین السبکی، ص ۲۱۸؛ مکتبه زهران مصر

در ظهور و توسعه وهابیت، «محمد بن عبدالوهاب» در «دین» و «محمد بن سعود» در «قدرت» مؤثر بودند و با همفکری و همسو با سیاست‌های استعماری انگلیس توانستند تسلطی بر دیگر مسلمین پیدا کنند. و با گذشت حدود سه قرن از پیدایش آن، بسیاری از ممالک اسلامی و به خصوص مرکز پیدایش اسلام، سرزمین حجاز را تحت تأثیر خود در آورند.

این فرقه منحرف، در بسیاری از اصول عقاید و احکام شرعی با مذاهب دیگر تفاوت دارد. وهابیها خود را مسلمانان حقیقی و دیگر مسلمانان را منحرف و مشرک می‌دانند، و به آنان به دیده‌ی حقارت می‌نگرند. فرقه وهابیت در طول سالیان تأسیس خود، از شیوه‌ی زور و سنگدلی و قساوت در تحمیل افکار غیرمنطقی خود بر مسلمانان، استفاده می‌کند.

بدون تردید سوء استفاده از نام «اسلام»، برای تثبیت قدرت، هدف اصلی فرقه وهابیت محسوب می‌شود. حاکمیت وهابیت، در واقع امپراطوری ظالمانه‌ای بود که با سوء استفاده از شعارهای

اسلامی و بهره‌گیری از اهرم اسلام، قدرت ظالمانه خود را تحکیم نمود. وهابیت از زمان شکل‌گیری خود، مرتکب شنیع‌ترین جنایات شده است. قتل و عام مسلمین، از مرد و زن و کودک؛ شیعه و سنی و... از ارکان به قدرت رسیدن این فرقه شوم بوده است. اکنون نیز «وهابیت»، اسم اسلام و شعارهای اسلامی را در خدمت اهداف سیاسی خود قرار داده است و هدفی جز تسلط بر ممالک اسلامی، آنهم زیر چتر حمایتی ظالمانی همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی، برای به انحراف کشیدن آموزه‌های اصیل اسلامی ندارد.

به تصریح علمای سرشناس اهل سنت، هدف نهایی وهابیت از تاسیس این فرقه و تکفیر و قتل مسلمانها؛ رسیدن به حکومت و اموال و ثروت و دارائی‌های مسلمانها بوده است. آقای کوثری - از علمای بزرگ دانشگاه الازهر مصر - در این زمینه می‌نویسد:

«و لیس قصد أول من آثار هذه الفتنة، سوی استباحة أموال المسلمین لیؤسس حکمه بأموالهم علی دمائهم باسم أنهم مشرکون»

قصد اولیه وهابیون از فتنه وهابیت، مباح کردن اموال مسلمین بود تا حکومت خودشان را با این اموال تقویت بکنند. اینها خون مسلمین را مباح می‌کنند به اسم این که اینها مشرک هستند.

مقالات کوثری، ج ۱، ص ۲۲۶

تجسیم خداوند، شاخصه اصلی توحید وهابیت!

توحیدی که وهابیت، دیگر مسلمین را به آن دعوت می‌کند، توحیدی است خاص، با شاخصه‌های خاص‌تر! توحید وهابیت، توحیدی است که ما را به خدایی راهنمایی می‌کند که دارای خصوصیات مادی خاصی است. اول نکته‌ای که در توحید «ابن تیمیه»، به عنوان مؤسس فرقه وهابیت، واضح و روشن است، مسأله تجسیم است. وی وقتی می‌خواهد خدای عالم را با آن دید مادی به مردم معرفی کند، صراحتاً اعلام می‌کند:

«لیس فی کتاب الله و لا سنة رسوله و لا قول احد من سلف الامة و ائمتها انه لیس بجسم»

نه در کتاب خدا و نه در سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نه در اقوال امت اسلامی و ائمه اهل سنت، نداریم که خداوند جسم نباشد.

بیان تلبیس الجهمیه، ابن تیمیه، ج ۱، ص ۱۰۱؛ دار النشر: مطبعة الحكومة - مكة المكرمة - ۱۳۹۲، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم

برخی صفات بارز خدای وهابیت:

در اینجا به برخی از صفات بارز خدایی که وهابیت، آن را «توحید ناب» معرفی می‌کند و خود را در جوامع اسلامی موحد حقیقی می‌شمارد و دیگر مسلمین را به پیروی از آراء و افکار خویش فرا می‌خواند، اشاره می‌کنیم:

خدای وهابیت «چشم» دارد!!

توحیدی که وهابیت از آن دم می‌زند، ما را به خدائی هدایت می‌کند که «چشم» دارد:

**«ذَكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَوْمًا بَيْنَ ظَهْرِي النَّاسِ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ، فَقَالَ: " إِنْ
اللَّهُ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، أَلَا إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرَ الْعَيْنِ الْيُمْنَى»**

رسول اکرم روزی در میان مردم از مسیح دجال سخن به میان آورد. در ضمن گفتارش فرمود:
خداوند کور نیست! ولی مسیح دجال چشم راستش کور است.

صحیح بخاری ج ۳، ص ۱۲۶۹، باب ۴۹، ح ۳۲۵۶؛ دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ -
۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا

خدای وهابیت «پا» دارد!!

خدای وهابیت علاوه بر چشم، «پا» هم دارد، و اتفاقاً با همان پا، وارد جهنم هم می شود:

**«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " لَا تَزَالُ جَهَنَّمُ تَقُولُ: هَلْ مِنْ مَزِيدٍ، حَتَّى يَضَعَ رَبُّ
الْعِزَّةِ فِيهَا قَدَمَهُ، فَتَقُولُ: قَطُّ قَطُّ وَ عِزَّتِكَ »**

پیغمبر فرمود: در روز قیامت اهل جهنم به آتش انداخته می شوند، و جهنم مدام تقاضای زیادت
می کند؛ تا اینکه خداوند پای خود را در جهنم می گذرد. در اینجاست که جهنم می گوید تو را به
عزتت سوگند بس است بس است.

صحیح بخاری ج ۸، ص ۱۳۴، بَابُ الْحَلْفِ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَصِفَاتِهِ وَكَلِمَاتِهِ، ح ۶۶۶۱؛ المحقق: محمد زهیر
بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد
عبد الباقي، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ

خدای وهابیت «دست» دارد!!

**«حَدَّثَنَا أَبُو هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ يَمِينَ اللَّهِ مَلَأَى لَا يَغِيضُهَا
نَفَقَةٌ...، أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْعَقَ مِنْذُ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَنْقُصْ مَا فِي يَمِينِهِ... وَ
بِيَدِهِ الْأُخْرَى الْقَيْضُ - أَوْ الْقَبْضُ - يَرْفَعُ وَ يَخْفِضُ»**

ابوهریره می گوید: رسول خدا فرمود: دست راست خداوند پر است، و از انفاق و احسانش کم
نمی شود. و از آن روزی که آسمانها و زمین را آفریده است احسان می کند و از آنچه در دست او
است کم ننموده است. و در دست دیگر خدا فیض و احسان است.

صحیح بخاری ج ۶ ص ۲۶۹۹ کتاب التوحید، باب وکان عرشه علی الماء، ح ۶۹۸۳؛ دار النشر: دار ابن
کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا

خدای وهابیت، موی سرش فرفری است!!

خدایی که وهابیت به مسلمانها معرفی می کند، موهای سرش فرفری است و موی صورتش در
نیامده، و «آمرد» است:

**«قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) رأيت ربي في صورة شاب أمرد له وفرة جعد
قطط في روضة خضراء»**

ابن عباس می گوید: پیامبر فرمود: پروردگارم را به صورت یک جوان دیدم که هنوز مو در صورت نداشت. و موی سرش هم مجعد و فرفری بود.

بیان تلبیس الجهمیه، ابن تیمیه، ج ۷ ص ۲۹۰؛ المحقق: مجموعة من المحققين، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶هـ

توحید و هابیت، توحیدی است که، ما را به یک همچین خدائی دعوت می کنند. خدائی که دست دارد، پا دارد، و...

جالب این است که «ابویعلی» به عنوان یکی از لیدرهای وهابی، بعد از نقل این روایت می گوید: «هذا حديث رواه الكبر عن الكبر عن الصحابه عن النبي و من شك في ذلك لا تقبل شهادته و لا يسلم عليه و لا يعاد في مرضه»

این روایتی است که بزرگان ما از بزرگان و از صحابه و صحابه هم از پیامبر اکرم نقل کرده است و هرکس در این شک کند، شهادتش قبول نیست و کسی نباید به او سلام کند و زمانی که مریض شد، کسی به عیادتش نرود.

طبقات الحنابلة، ابی یعلی، ج ۳، ص ۸۱، ح ۸۲ چاپ مکتبه عیبکان، مکه مکرمه؛ طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۴۶، چاپ دار المعرفة بیروت، تحقیق محمد حامد الفقی

خدای وهابیت سوار بر «اللاغ» می شود!

البته خدای وهابیت، نه تنها چشم دارد، دست دارد، و موهای فرفری دارد، بلکه گاهاً سوار «اللاغ» هم می شود!!

«ابن عساکر» می نویسد:

«إنه ينزل بذاته و يتردد على حمار»

خدا از آسمان به زمین می آید و سوار یک الاغ می شود.

تبیین کذب المفتری، ابن عساکر، ج ۱، ص ۳۱۱؛ دار النشر: دار الكتاب العربي - بیروت - ۱۴۰۴، الطبعة: الثالثة

وقتی این وهابی ها می گویند ما موحد هستیم؛ یعنی آن خدایی را قبول داریم که، الاغ سوار و مو فرفری است.

علامه حلی (ره) از علمای بزرگ شیعه در این باره می نویسد که در «بغداد» بعضی از این آقایانی که قائل به جسمانیت خداوند هستند، بعضی شب ها، بر پشت بام خود علف و یونجه، می گذارند:

«وذهب بعضهم إلى أن الله ينزل كل ليلة جمعة بشكل أمرد راكبا على حمار حتى أن بعضهم ببغداد وضع على سطح داره معلفا يضع كل ليلة جمعة فيه شعيرا وتبنا لتجوز أن ينزل الله تعالى

على حمارة على ذلك السطح فيشتغل الحمار بالأكل و يشتغل الرب بالنداء هل من تائب هل من مستغفر تعالى الله عن مثل هذه العقائد الرديئة في حقه تعالى.»

بعضی از اهل سنت معتقد هستند که خداوند در هر شب جمعه به صورت یک جوان و سوار بر آغ بر زمین نازل می شود، به طوری که بعضی از اینها در بغداد، در شب های جمعه روی پشت بام های خود در ظرف هایی علوفه، جو و یونجه می ریزند تا خدایی که با الاغ از آسمان پایین می آید، این علوفه و یونجه را ببیند و بر بام آن شخص نازل شود و مشغول خوردن آنها شود و خدای عالم هم مشغول ندا دادن باشد که آیا توبه کننده ای هست تا او را ببخشم و از اینگونه عقاید مردود و باطل در حق خداوند متعال.

منهاج الكرامة في معرفة الإمامة، علامة حلی، ص ۳۹؛ تحقیق: عبدالرحیم مبارک، مؤسسه عاشوراء للتحقیقات و البحوث الإسلامية

الاعقائد الاسلاميه، مركز المصطفى، ج ۲، ص ۲۷۷؛ مركز المصطفى للدراسات الإسلامية، الطبعة الأولى، محرم الحرام ۱۴۱۹هـ

خدای وهابیت سوار بر شتر در منی دیده شده است!!

«عن أبي رزين عن النبي قال رأيت ربي بمنى عند النفر على جمل أورق عليه حبة»

أبی رزین می گوید: پیامبر فرمود: من خدای عالم را در منی دیدم، آن زمانی که از طرف منی به طرف مکه کوچ می کردند که روی شتری با رنگ های سیاه و سفید داشت و بر دوش خداوند، یک پیراهن بلندی بود.

سير اعلام النبلاء ذهبی، ج ۱۸، باب أحمد بن محمد بن عبدوس الزعفراني، ص ۱۶؛ دارالنشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط محمد نعيم العرقسوسي

لسان الميزان عسقلانی، جلد ۲، باب من اسمه حسن، صفحه ۲۳۸؛ دار النشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الثالثة، تحقیق: دائرة المعارف النظامية - الهند

خدای وهابیت مریض می شود!!

و جالب است که خدای وهابیت بعضی مواقع مریض هم می شود، چشم درد می گیرد، و ملائکه نیز به عیادت خداوند می روند!!

«اشتکت عيناه فعادته الملائكة»

بعضی وقت ها، خداوند چشم درد می گیرید، و ملائکه به ملاقات او می رود.

الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۰۶؛ دار النشر: دار المعرفة - بيروت - ۱۴۰۴، تحقیق: محمد سيد كيلاني

معمولاً کسی که به عیادت مریضی می رود، یک آب میوه ای، کمپوتی با خودش می برد. حالا اگر خدای اینها هم اهل خورد و خوراک باشد برای خدا می برند، وگر نه وقتی به عیادت خدا می روند، شاید کاهی، یونجه ای برای الاغ خدا می برند!!

وقتی خدای وهابیت به زیارت قبر «احمد بن حنبل» می رود!! «ابن جوزی» نقل می کند:

«حدثني ابوبكر بن مكارم ابن ابي يعلى الحرابي - وكان شيخاً صالحاً - قال: كان قد جاء في بعض السنين مطر كثير جداً قبل دخول رمضان بأيام فتمت ليلة في رمضان فأريت في منامي كأنني قد جئت على عادتى الى قبر الإمام أحمد بن حنبل أزوره فأريت قبره قد إلتصق بالأرض، حتي بقي بينه و بين الأرض مقدار ساف أو سافين، فقلت: إنما تم هذا علي قبر الإمام أحمد من كثرة الغيث! فسمعتة من القبر و هو يقول: لا، بل هذا من هيبة الحق عز و جل لأنه عز و جل قد زارني!»

ابوبکر بن مکارم که مرد صالحی بود برای من نقل می کرد که در یکی از سال ها، باران خیلی زیادی آمد. من در شبی از شبهای ماه رمضان خوابیدم و در خواب دیدم که طبق عادت همیشگی خودم، آمدم کنار قبر آقای احمد بن حنبل تا او را زیارت کنم. دیدم که قبر او، به زمین چسبیده است، با خودم گفتم که شاید به خاطر بارش باران بوده که این قبر، آثارش را که باید مقداری بلند باشد، از بین برده است. همان گونه که داشتیم به این مسئله فکر می کردم، يك دفعه شنیدم که ندائی از قبر آمد و آقای احمد بن حنبل گفت: نه، این که می بینی قبر من با زمین یکسان شده و هیچ برآمدگی ندارد، از هیبت خداوند است؛ زیرا خداوند به زیارت قبر من آمده بود!

آقایان وهابی ها داد و فریاد می کنند که رفتن به زیارت قبر امام رضا (علیه السلام) شرك است، ولي در اینجا مي گویند که خداوند به زیارت قبر احمد بن حنبل مي رود!! چه می دانیم شاید خداوند هم نعوذبالله مشرك شده است!!

راوي مي گوید که «احمد بن حنبل» ادامه داد و گفت:

«فسألته عن سرّ زیارته إیای في كل عام، فقال عز وجل: يا أحمد! لأنك نصرت كلامي، فهو ينشر و يتلي في المحاريب»

سؤال کردم از خدا: چرا هر سال به زیارت قبر من می آیی؟ خداوند فرمود: ای احمد! تو کلام مرا در میان مردم منتشر کردی؛ کلام من در میان مردم خوانده می شود و در محراب ها تلاوت می شود.

برای اینکه وهابیت، غلو نکنند و بگویند حتماً آقای احمد بن حنبل به قدری مقامش بالاست که خداوند به زیارتش می آید، می گویند:

«فقال لي: يا بني! ليس هذا كرامة لي و لكن هذا كرامة لرسول الله! لأن معي شعرات من شعره! ألا و من يحبني يزورني في شهر رمضان! قال ذلك مرتين»

احمد بن حنبل به من گفتم: فرزندم! خداوند که به زیارت قبر من می آید، به خاطر جایگاه من نیست، بلکه به خاطر کرامت رسول الله است؛ زیرا همراه من، مؤثی از موهایی پیامبر است و به خاطر آن است که خداوند هر سال به زیارت قبر من می آید.

مناقب الإمام احمد بن حنبل، ابن جوزی، باب الثانی والتسعون، فصل فی ذکر المنامات التي رثی فيها احمد بن حنبل، ص ۶۰۷؛ تحقیق: د. عبدالله بن عبدالمحسن التركي؛ دارالنشر: هجر للطباعة والنشر

عرش الهی از سنگینی خدای وهابیت ناله می کند!!

در بسیاری از منابع معتبر اهل سنت، روایت عجیبی از طریق خلیفه دوم عمر بن خطاب، به پیامبر نسبت داده شده است:

«عن عمر رضي الله عنه: أن امرأة أتت النبي صلي الله عليه وسلم فقالت: أدع الله أن يدخلني الجنة، فعظم الرب تبارك و تعالي و قال: إن كرسیه وسع السماوات و الأرض و إن له أطيافاً كأطياف الرحل الجديد، إذا ركب من ثقله»

عمر بن خطاب نقل می کند: زنی آمد نزد نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) گفت: دعا کن که خداوند مرا وارد بهشت گرداند. پیغمبر بعد از حمد و ثنای الهی گفت: عرش خداوند به وسعت آسمانها و زمین است و وقتی خداوند سوار بر عرش می شود، عرش خداوند مانند يك شتر جوان و نوپایی است که وقتی تازه می خواهند بر آن سوار شوند، از سنگینی خداوند ناله می کند.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۰؛ دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۴۰۵

مجمع الزوائد للهيثمی، ج ۱، ص ۸۳؛ دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷

کنز العمال للمتقي الهندي، ج ۱۰، کتاب العظمة من قسم الأفعال، ص ۱۶۹، ح ۲۹۸۶۳؛ دار النشر: دار الكتب العلمية - بیروت - ۱۴۱۹هـ-۱۹۹۸م، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمود عمر الدمیاطي

تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۱۱؛ دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۴۰۱

الدر المنثور للسيوطي، ج ۲، ص ۱۷؛ دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۳

جامع الأحاديث سيوطي، ج ۱۴، ص ۳۳۹، باب مسند عمر بن خطاب، ح ۳۷۳۵

البداية والنهاية، ج ۱، ص ۱۱؛ دار النشر: مكتبة المعارف - بیروت

بيان تلييس الجمهيه، ج ۱، ص ۵۷۲؛ دار النشر: مطبعة الحكومة - مكة المكرمة - ۱۳۹۲، الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم

آقاي «هيثمی» این روایت را نقل می کند و می گوید:

«رواه البزار و رجاله رجال الصحيح»

این روایت را آقای بزار در مسند خود نقل کرده و تمام راویان آن صحیح هستند.

مجمع الزوائد للهيثمي، ج ۱، ص ۸۴؛ دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ۱۴۰۷

خداوند بعد از خلقت جهان به پشت خوابید و پای خود را روی پای دیگر انداخت!!
آقای «طبرانی» در روایتی صحیح السند نقل می کند:

« عَنْ عُبَيْدِ بْنِ حُنَيْنٍ، قَالَ: بَيْنَا أَنَا جَالِسٌ إِذْ جَاءَ بِي قَتَادَةُ بْنُ النُّعْمَانَ، فَقَالَ لِي: انْطَلِقْ بِنَا يَا ابْنَ حُنَيْنٍ إِلَى أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، فَإِنِّي قَدْ أَخِيرْتُ أَنَّهُ قَدْ اشْتَكَى، فَأَنْطَلِقْنَا عَلَى أَبِي سَعِيدٍ فَوَجَدْنَاهُ مُسْتَلْقِيًا رَافِعًا رِجْلَهُ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى، فَسَلَّمْنَا وَجَلَسْنَا، فَرَفَعَ قَتَادَةُ بْنُ النُّعْمَانَ يَدَهُ إِلَى رِجْلِ أَبِي سَعِيدٍ فَفَرَصَهَا قَرَصَةً شَدِيدَةً، فَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ: سُبْحَانَ اللَّهِ يَا ابْنَ آدَمَ لَقَدْ أَوْجَعَنِي، فَقَالَ لَهُ: ذَلِكَ أَرَدْتُ، فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: " إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا قَضَى خَلْقَهُ اسْتَلْقَى فَوْضِعَ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى، وَقَالَ: لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي أَنْ يَفْعَلَ هَذَا "، فَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ: لَا حَرَمَ، وَاللَّهِ لَا أَفْعَلُهُ أَبَدًا.»

عبید بن حنین می گوید: من نشسته بودم که قتاده بن نعمان به پیش من آمد و گفت: پاشو با هم به پیش ابوسعید خدری برویم ای ابا حنین! من خبری شنیدم که از او شاکی شدم. ما رفتیم خدمت ابو سعید خدری و دیدیم که به پشت خوابیده است و پای راستش را روی پای چپ خود انداخته است. بر او سلام کردیم و قتاده آمد نیشگونوی شدید از پای ابو سعید گرفت و ابو سعید گفت: سبحان الله! این پسر آدم! مرا به درد آوردی. قتاده گفت: من هم همین را می خواستم. پیامبر (صلي الله عليه و سلم) فرمود: خداوند وقتی خلقت جهان را تمام کرد، به پشت خوابید و یکی از پاهایش را روی پای دیگرش انداخت و فرمود: سزاوار نیست برای هیچ يك از بندگانم که هم چنین کاری را بکند. ابو سعید گفت: به خدا قسم! من هم دیگر این کار را نمی کنم.

المعجم الكبير للطبراني، ج ۱۹، ص ۱۳، باب عُبَيْدُ بْنُ حُنَيْنٍ، عَنْ قَتَادَةَ بْنِ النُّعْمَانَ، ج ۱۸؛ المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفيا، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية

آقای «أبو يعلي» بعد از این که این روایت را نقل می کند می نویسد:

«قال أبو محمد الخلال: هذا حديث إسناده كلهم ثقات و هم مع ثقتهم شرط الصحيحين.»

أبو محمد خلال می گوید: این روایتی است که تمام راویانش ثقه هستند و تمام شرایط صحیح بخاری و صحیح مسلم در این روایت هست.

إبطال التأويلات لأخبار الصفات، أبي يعلي، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ دار النشر: مكتبة دارالامام الذهبي، الكويت، ۱۴۱۰ق

خدای وهابیت را چهار فرشته حمل می کنند!!

«این خزیمه» در کتاب «توحید»، روایتی را نقل می کند که «عبدالله بن عمر»، فردی را به سوی «عبدالله بن عباس» فرستاد و گفت:

«هل رأي محمد ربه؟ فأرسل إليه عبدالله بن عباس أن نعم، فردّ عليه عبدالله بن عمر رسوله أن كيف رآه؟ فأرسل انه رآه في روضة خضراء، دونه فراش من ذهب علي كرسي من ذهب، يحمله أربعة من الملائكة، ملك في صورة رجل و ملك في صورة ثور و ملك في صورة نسر و ملك في صورة أسد.»

آیا پیامبر، خدا را دیده است؟ عبدالله بن عباس می گوید: بله. عبدالله بن عمر باز هم آن فرد را فرستاد و گفت: خدا را چگونه دیده است؟ عبدالله بن عباس گفت: خدا را در يك چمن زار سرسبز دیده است که در زیر خداوند، رختخوابی از طلا بود که بر روی تختی از طلا بود و ۴ نفر از ملائکه، او را حمل می کنند و يك ملك به صورت مرد است و يك ملك به صورت گاو است و يك ملك به صورت کرکس است و يك ملك هم به صورت شیر است.

توحید ابن خزیمه، ج ۲، ص ۴۸۳، باب بَابُ ذِكْرِ الْأَخْبَارِ الْمَأْثُورَةِ فِي إِبْتِثَاتِ رُؤْيَا النَّبِيِّ، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية - الرياض - ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م، الطبعة: الخامسة، تحقيق: عبد العزيز بن إبراهيم الشهوان

جالب این است که در اول این کتاب، آقای ابن خزیمه شرط کرده است که من در این کتاب، جز احادیث صحیح که با سند ثقه به پیامبر رسیده باشد، نیاورده ام. یعنی تمام روایات کتاب من، سنداً صحیح است و روایانش تا پیامبر، ثقه هستند.

توحید لابن خزیمه، ج ۱، ص ۱۱

آنچه نقل شد، مختصری بود از خصوصیات و ویژگی های خدائی که فرقه ضاله وهابیت، به عنوان توحید اصلی و حقیقی مطرح می کند و دیگر مسلمانها را به دلیل پیروی نکردن از این توحید، متهم به شرک و کفر می کند و بعد هم فتوای قتل آنها را صادر می کند.

این نکته، قابل توجه است که بهترین جائی که وهابیت زمین گیر می شود، بحث از «خدای وهابیت» است. مطالب عجیب و غریب، و نسبت های ناروا و دور از شأن حضرت رب العالمین، که به واسطه نبی مکرم(صلی الله علیه و آله)، و یا از طریق صحابه ایشان، به خداوند متعال نسبت داده شده است که با عقل سلیم بشری، و با تأملی اندک در آیات نورانی قرآن کریم، بطلان تمامی این ادعاها و نسبت ها روشن خواهد شد.

والسلام علی من اتبع الهدی

واحد تدوین مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

(عجل الله تعالی فرجه الشریف)